

# واله داغستانی

## و تذکره ریاض الشعراء

ترجمه و تلخیص ابوالقاسم رادفر



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال ملی علوم انسانی

د این مقاله ترجمه و تلخیص کتاب احوال، افکار و آثار فیلیلی واله داغستانی تألیف دکتر  
سیدالهادی هشاری از جانب پناه گل پور (بهار) ۱۳۸۳ م است.

علیقلی خان واله داغستانی نه تنها شاعری بلند پایه است، بلکه به عنوان  
یک تذکره نویس صاحب نام نیز شهرت دارد. نظر برخی منتقدان بر این  
است که تاکنون هیچ تذکره ای چون ریاض الشعراء تألیف نشده است. نیاز  
تجربوری می نویسد: واله داغستانی در تذکره خود از اولین تذکره موجود  
یعنی لیالی الالیاب محمد عوفی استفاده کرده است. به همین جهت، تذکره  
وی انوری معتبر و باارزش است (سالنامه نگار، ۱۳۶۴، ص ۱۰۹).  
محمد عسکری بلگرامی نوشته است، تا امروز هیچ تذکره ای مانند  
ریاض الشعراء تألیف نشده و بعد از آن نیز در زبان فارسی چه در ایران و چه  
در هندوستان هیچ تذکره ای نوشته نشده که به ریاض الشعراء ارجاع  
نداده باشد.

فصل اول  
فصل دوم  
فصل سوم  
فصل چهارم  
فصل پنجم  
فصل ششم  
فصل هفتم  
فصل هشتم  
فصل نهم  
فصل دهم  
فصل یازدهم  
فصل بیستم  
فصل بیست و یکم  
فصل بیست و دوم  
فصل بیست و سوم  
فصل بیست و چهارم  
فصل بیست و پنجم  
فصل بیست و ششم  
فصل بیست و هفتم  
فصل بیست و هشتم  
فصل بیست و نهم  
فصل بیست و دهم  
فصل بیست و یازدهم  
فصل بیست و دهم  
فصل بیست و نهم  
فصل بیست و هشتم  
فصل بیست و هفتم  
فصل بیست و ششم  
فصل بیست و پنجم  
فصل بیست و چهارم  
فصل بیست و سوم  
فصل بیست و دوم  
فصل بیست و یکم  
فصل بیستم  
فصل نهم  
فصل هشتم  
فصل هفتم  
فصل ششم  
فصل پنجم  
فصل چهارم  
فصل سوم  
فصل دوم  
فصل اول

می‌رسد. واله دوران کودکی خود را در ایران گذرانده، و در جوانی به هندوستان رفته‌است. وی در زمان پادشاهی شاه‌سلطان‌حسین صفوی متولد شد. سیدمحمدتقی فخر داعی گیلانی (مترجم تاریخ ایران اثر ژنرال سر پرسی سایکس) می‌نویسد که سال جلوس شاه‌سلطان‌حسین ۱۱۰۵ هـ است. او پادشاهی حلیم، دیندار و خداترس بود ولی در زندوستی بسیار مشهور بود. این امر سبب شد که خواجگان کارها را در اختیار گرفتند، و وضع طوری شد که در همه افراد ضعف و کاهلی پیش آمد. اخلاق مردم به اندازه‌ای بد شده بود که مردم قاتلان را در خانه‌های خود پناه می‌دادند و پادشاه نیز از دادن سزای قتل جهت مجرمان احتراز می‌نمود. مردم در عیش و عشرت غرق بودند. از این رو وقتی که حمله افغانان به ایران صورت گرفت ایرانیان قادر به مقابله نشدند.

خانواده واله همچون تمام مردم ایران زندگانی را در پریشانی و ننگدستی به سر می‌برد. بالاخره بنا به نوشته آزاد بلگرامی، محمود افغان اصفهان را گرفت و سلطان‌حسین میرزا را به عالم دیگر فرستاد (خزانة عامره، ص ۳۳۹). این اتفاقات و پیامدهای بعد از آن، کم‌کم موجبات سقوط سلسله صفویه را فراهم آورد.

به هر صورت، واله داغستانی در ۱۱۴۶ هـ در عهد سلطنت محمدشاه به هندوستان آمد. در اینجا است که او از نظر شعر و شاعری به شکوفایی می‌رسد، و شامش درتوارمخ و تذکره‌های مختلف درج می‌گردد، و استعداد و هنر او مورد ستایش قرار می‌گیرد که به مواردی از آنها به شرح زیر اشاره می‌شود:

۱. میرشمس‌الدین فقیر عباسی دهلوی در مثنوی واله و سلطان در باره واله چنین می‌سراید:

کیخرو عرصه بیانی کلک تو درفش کابوایی

کس درخور مدح خود ندیدم از جمله جهان تراگزیدم  
در دواة شعر و خوش بیانی تو چشم و چراغ دودمانی  
۲. محمد رضا کاتب، در نسخه خطی واله و سلطان کتابت سال ۱۱۶۰ هـ می‌نویسد:

بخان رفیع الشان بلند مکان دامن زمان عیالی خان که سرج لعل دلست و  
مرکز هدای معبر طالع صبره و دام الهه.

۳. علی نلی خان واله داغستانی در ریاض‌الشعرا (سال تکمیل ۱۱۶۱ هـ) دربارهٔ حرد اشعاری دارد که دویست آن را به‌طور نمونه آورده:  
عسلی الحسق پسیایه نظم تو واله

فراز عشقش اعلی می نماید  
گیرم که هستی بی بدل داری زبانی چون صل

گویی اگر زبسان غزل واله سخندان خوانست  
۴. از دیوان واله داغستانی موجود در ایندیا آفیس لائبریری:

دفتر نظم و نثر من نسخهٔ محر سامری است  
نشریبین به آن روش نظم ببین به این نظم

زبان داندان زبانش می شناسند سخن فهمان بیانش می شناسند  
(برگ ۸۲)

من که واله ز حزمین طرز سخن دارم یاد  
ره و رسم دگران را ز چه تقلید کنم

۵. بندرین داس خوشگو در سفینهٔ خوشگو (تألیف حدود ۱۱۳۱ هـ تا ۱۱۶۱ هـ) می‌نویسد:

«شاعر خوش سلیقهٔ زبان دانست و او از شعرای هنگامه ساز است.»

۱۲. ابوطالب ابن حاجی محمد بیگ خان تبریزی اصفهانی در تذکرة  
ملاصاة الانکار (۱۲۰۶ هـ) می نویسد:

چه صفت فهم و دانش در عصر خویش بر زبانها مذکور و به فصاحت و بلاغت  
مشهور نزدیک و دور بوده (برگ ۲۱۸)

۱۳. علی احمد خان هاشمی سنندیلوی صاحب معزین الشریب (۱۲۱۸  
هـ) آورده که او

خان والا شأن ستور مکان نواب علمانی خان نسجالی واله نخلع، است. (ج ۲، ص ۱۹۷)  
۱۴. بهگوان داس هندی در سفینه هندی (۱۲۱۹ هـ) می نویسد:

در اصفهان تولد یافته، هماغا به تحصیل علوم پرداخته. (ص ۲۳۰)

۱۵. محمد عسکری بلگرامی مؤلف صحائف شرافت (۱۲۳۱ هـ) در  
حوال واله آورده است:

در اصفهان نشو و نما یافته و به خدمت اکثر مستعدان آنجا تربیت گرفته. گویند  
فرماند کلبه مر علم و فن آنگذر ماحضر داشت که از عهد جوانی آن به حضور  
مأثرش به خوبی برسی آید.

واله تذکرة سسی به ریاض الشعراء نوشته که مثل او تا حال تألیف نشده است.  
صاحب مستعد می دانند که چقدر نکات باریک فن شعر و شاعری و لطایف این  
فن شریفه در آن اظهار نموده است و چطور احوال و مدارج اهل زبان و شعرا را  
مناقب و عذوبت و فصاحت و بلاغت و تازگی انشاء کرده. بعضی حکایات ترکیه در  
فصل حالات شعرا نوشته و احوال آمدن نادر شاه به وطنی او تذکرة مذکور نقل  
می کند که طور عبارت و سلاست بیان او هویدا کرده. (ص ۱۹۹)

۱۶. محمد قدرت الله گسوموی در نتایج الانکار (۱۲۵۷ هـ)  
آورده است:

ناظم شهرستان مماتی علمانی خان واله داغستانی... خان مستور پس دماغ عالی  
داشت و هزاره سر به علم تربیت می افراشته... از تألیفاتش دیوانی است مضامین

بسیه، ص ۱۲۹۲

۶. حسین دوست بن سید ابوطالب، صاحب تذکرة حسینی (تألیف ۱۱۶۳  
هـ) چنین آورده است:

واله گلستان سخندان علیقلی خان واله داغستانی... از حبا و صحبت و حفظ مرثیه و  
اعلیت بهره تمام و نصیب ملاکام... (ص ۲۲۱)

۷. سراج الدین علی خان آرزو، در مجمع النفایس (سال تکمیل ۱۱۶۲ هـ)  
چنین می نویسد:

فما کمال سلاست و بلاغت اکثر نتبع بابا علمانی است بلکه اگر به چشم دولت نظر کرده  
آید هاشمی که در کلام او صفت در شعر باقی نیست زیرا که این همه مقدمات تصرف  
بابا را کم دست داده. (برگ ۵۲۳)

۸. عبدالحکیم لاهوری در تذکرة مردم دیده (تألیف ۱۱۷۵ هـ)  
می نویسد:

... در شعر کسب را منظور نمی داشت و اکثری از شعرا را عنصر خرد را و جبره  
نمی گذاشت فصاحت و دیوانی فریب شش هزار بیت دارد و اکثر به طرز قدما  
می گوید و مستحسن خیلی مدوده و نامر است... (مردم دیده، ص ۱۰۱)

۹. میر ضلامعلی آزاد بلگرامی در عزرائله عاصره (۱۱۷۶ هـ) درباره واله  
نوشته است:

... و زاله اشعار بسیار در فراق گفته... طغر جنگ امر گهر صبح معنی... (برگ ۳۲۰)

۱۰. لطفعلی بیگ آذر، صاحب آتشکده (تألیف حدود سال ۱۱۷۴ هـ)  
آورده است:

دشمن بسیاری گفته (ص ۳۳۶)  
۱۱. غلام همدانی مصحفی در غلد تری (۱۱۹۹ هـ) نوشته است:

تاگر چه در فری میزان درست نکرده بیره آقا در فصاحت و بلاغت شعر پندایشا  
داشت و در فصاحت شاعری بر نظیر نمانده... (برگ ۵۷)

ونگین و از رحمان و تذکرة‌ای است موسوم به **ریاض الشعرا** تصارت‌متحن دیده  
سجن سجان کلام در انگیزش (ص ۷۳۳-۷۳۷)

۱۷. **رضائلی خان هفتاد در مجمع الفصحا (۱۲۸۱ هـ)** می‌نویسد:

دو دو زمان دولت سلطان حسن صفوی محرز بوده. در مفارقت محبوبة ضو  
ناله‌ها کرده و نظها سرود که به نظر رسیده. قریب چهار هزار بیت دیوان داشته.  
بعضی اشعار او را درین تذکرة‌وی دیده‌ام. [ع ۲ ص ۵۵۸]

۱۸. **محمدعلی تبریزی در ریحانة الادب** می‌نویسد:

دار شعراى اواسط قرن دوازدهم هجرى بوده و به هر دو زبان تركى و فارسى شعر  
گفته. [ع ۳ ص ۱۷۲]

فرمان آه، در فهرست کتابخانه ایندیآ آفیس (ج ۱، ص ۹۲۵) و اسپرنگ  
ایس به نقل از میرزا محمد در داستان «واله و خدیجه» (ص ۹)، و شیاز  
تجربوری در سالنامه «نگاره اوت ۱۹۶۳م، و حبیب‌الله خان شروانی در  
حالات حزمین (ص ۲۲)، و مولانا شبلی نعمانی در مقالات شبلی جلد  
نجم (ص ۱۲۹)، و محمدحسین آزاد در نگارستان فارس (ص ۲۰۷) نیز  
ریازة، واله اظهار نظر کرده‌اند.

شرح احوال واله داغستانی

حصول علم و دانش خوش بود لیک واله

عشق جنون‌طبیعت فرصت نداد ما را

(واله داغستانی)

نام او علیقلی، و تخلصش «واله» است. خود او در بیته می‌گوید:

هون ناله من شنید با هدمم گفت از دست علیقلی به تنگ آمده‌ام

واله داغستانی در ریاض الشعرا نیز نام خود را نوشته است:

داناى رموز جیمنشای علیقلی دانشانی متخلص به «واله»، **ریاض الشعرا**، برگ

۳۵۵

میرشمس‌الدین فقیر عباسی دهلوی دوست واله داغستانی نیز نام واله

داغستانی را علیقلی و تخلص او را «واله» آورده‌است:

زان فال سعید لیک انجام آمد او را علیقلی نام

دهرش به وله چو در خورد آخسر واله تخلص کرد

قوله و سلطان، ص ۱۲۴

خوشگو (سقیه ۲۹۳)، حسین دوست (تذکرة حسینی، برگ ۲۲)، خان

آرزو (مجمع النفایس، ص ۵۳۲)، حاکم (مردم دیده، ص ۹۸)، آزاد بلگرامی

«خزانة حساره»، ص ۳۳۸، آذر (آتشکده، ص ۲۳۶)، اسطراب (خلاصه

الافکار، برگ ۲۱۸)، بهگوان داس هندی (سقیفه هندی، ص ۲۳۰)،

حسکری بلگرامی (صحائف شرافت، ص ۱۹۹)، قدرت‌الله (نتایج الافکار،

ص ۷۵۰)، ویلیام بیل (Olanterp Biography P. 412).

سید کلیم‌الله حسینی (نشریه سپهر، چاپ حیدرآباد دکن، ری‌دیونمبر،

تذرات، ۱۹۲۱م، ص ۱۶) و محمدعلی تبریزی (ریحانة الادب، ج ۲، ص

۲۷۳) همگی معتقد که نام واله داغستانی علیقلی، و تخلص او «واله»

بیوده‌است.

سلسله خاندانی واله به حضرت عباس (رض) عموی حضرت

محمد مصطفی (ص) می‌رسد و خود او در بیته بدین مسئله اشاره

کرده‌است:

مدارد زلف کسوت عباسیان به بر از دودمان ماست رخ دلستان ما

فیروان واله، برگ ۱۵۸

فقیر سروده‌است:

وشته است. حال اینکه، مهرعلی خان پدربزرگ او بود (مجمع التفاس،  
رک ۵۳۲).

پیدایش

رضاقلی خان هدایت می‌نویسد: «واله لکزی داغستانی از خاندانگان  
اغستان لکزه بود. آبا و اجدادش در عهد دولت سلاطین صفویه اتارالله  
به هانهم به دارالسلطنه اصفهان آمده سکونت گزیده بود.» (مجمع التفاس،  
ج ۲، ص ۵۵۸)

آزاد بلگرامی، مصحفی، بهگوان داس هندی، قدرت‌الله، نیاز  
تجپوری، اته، عبدالمقندر و ریو نیز در این سخن اتفاق دارند که واله  
داغستانی در سال ۱۱۲۴ هـ. در اصفهان متولد شده و خود واله نیز  
شته است که او در صفر سال ۱۱۲۴ هـ. در اصفهان پیدا شد.

«تولد این فرسوده نواب زمان در شهر صفره ۱۱۲۴ هـ. در دارالسلطنه اصفهان  
واقع شده»

ریاض‌الشعرا، برگ ۱۷۳

ولی مظاهر مصفا در دیباچه مجمع التفاس نوشته است:

«واله داغستانی در ماه صفر سال ۱۱۲۳ هـ. در اصفهان متولد گردید و در این باره به  
نسخه خطی ریاض‌الشعرا کتابخانه ملکه تهران سوال داده است. در حقی که بر  
صفحه اول نسخه نام کتابخانه خدابخش پته به کتابت گلشن علی جوهری ملان»

واله داغستانی نوشته که واله در سال ۱۱۲۴ هـ. متولد شده برده (برگ ۱۷۳)

واله در ریاض‌الشعرا نیز نوشته است:

«در سن ۱۱۲۶ هـ. که بگذر بیکی گری ایروان به والد مقفور تبریز یافته بود، بر  
کتاب آن موجود به ایروان رفته.» (برگ ۱۷۳)

واله پس از وفات پدر، اکثر نزد عموی خود حسن علی خان بود و با

شمع است زدودمان عباس (رض) سروست ز بوستان عباس (رض)  
واله و سلاطین، ص ۱۱۶

خان آرزو نوشته است:

«علی‌خان بهادرانہ تحصیل از اولاد حضرت عباس (رض) عم پنجم (ص)  
است»

مجمع التفاس، برگ ۵۳۲

آزاد بلگرامی می‌نویسد:

«واله علی‌خان داغستانی نسیب به عباس (رض) عم اقیس صلی‌الله علیه و  
سلم می‌رسد»

تذکره عامره، برگ ۳۳۸

مصحفی در (عقد ثریا، ص ۷۶)، قدرت‌الله در (نتایج الانکار، ص  
۷۵۰) عبدالمقندر در (تهرست کتابخانه خدابخش، ج ۸، ص ۱۱۸) نیز  
متفق‌اند که واله داغستانی عباسی بود.

اجداد «واله» از داغستان بودند، به این جهت او را واله داغستانی  
می‌گفتند، گرچه پیدایش او در اصفهان واقع شده است.

نام پدر واله محمدعلی خان بود. خوشگو (سفینه خوشگو، ص ۲۹۳)،  
آزاد بلگرامی (تذکره عامره، برگ ۳۳۹)، قدرت‌الله (نتایج الانکار، ص

۷۵۱) محمدعلی تبریزی (ریحانه الادب، ص ۲۷۳) عبدالمقندر (تهرست  
کتابخانه گنج بخش، ج ۸، ص ۱۱۹) و ریو (تهرست کتابخانه موزه بریتانیا،

ج ۱، ص ۳۷۱) نیز بر این امر متفق‌اند که نام پدر «واله» محمدعلی خان  
بود. خود او در ریاض‌الشعرا نام پدرش را محمدعلی خان نوشته است. ولی

علی‌اکبر مشیرسلیمی نام پدر او را مهرعلی خان ذکر کرده است (زنان  
سخنور، ج ۱، ص ۲۵۰) در حالی که مطابق نوشته خود واله، مهرعلی خان

پدربزرگ و امیر شکارباشی بود. خان آرزو هم نام پدر واله را مهرعلی خان

تذکره مردم دیده (ص ۱۰۱) نوشته‌است که واله بسیار نیک تقریر می‌کرد و نوشتن نیز بسیار تیز بود. واله این صفت را به وراثت یافته بود پدر او حمد ملی خان در خوشنویسی و خط شکسته در نهایت درجه کمال بود. فتح علی خان وزیر ایران از نزدیکان و آشنایان واله نیز در نوشتن خط شکسته مهارت داشت. خان آرزو در باره واله نوشته‌است:

«هر چند از علوم ظاهر بهره وافی ندارد، اما از جهت صفای ذهن و تتبع کتب از اکثر مطالب آگاهی دارد. بیشتر مقدمات مستحضر اوست علی‌الخصوص تصوف» (مجمع‌التفایس، برگ ۵۲۳). این سخن درست است که واله علوم ظاهری را به‌طور کامل بیاموخته بود. چرا که در سن پنج سالگی پدرش وفات یافته و در سن ده سالگی (۱۱۳۳ هـ.) تمام افراد خاندانش از عهده‌های حکومتی معزول شده بودند (ریاض‌الشعراء، برگ ۲۷۳) در همین سالها افغانان بر اصفهان حمله کرده بودند و بازار قتل و غارت گرم بود. با این وجود فقیر دهلوی، حسین دوست، خوشگو، خان آرزو، حاکم لاهوری، مصحفی، ابوطالب، عسکری بلگرامی، قدرت‌الله و مولانا شلی در تذکرها و آثار خود نیز به صلاحیتهای علمی واله احترام کرده‌اند.

بهگوان داس هندی نوشته‌است که میرزا محمد منشی استاد واله داغستانی بود که در علوم فقه، حدیث، حکمت، تصوف، جبر و رمل، حساب و موسیقی عالم و ماهر بود. در سیزده نوع تحریر می‌کرد و چهار پنج زبان می‌دانست. خزانه‌دار نادرشاه بود. در بذله سنجی، لطیف‌گویی، شوخ طبعی و تنوع و رنگینی گفتگو مشهور بود. در فن انشا بی‌مانند و «منشی» تخلص می‌کرد. او بسیار دلیر و شجاع بود. نادرشاه او را در دهلی به قتل رسانید. از بیان واله داغستانی صدق گفتار بهگوان داس هندی تأیید می‌شود. شاگرد نیز به اندازه لازم از محضر او فیض برده بود.

مختصر عمومی خود خدیجه سلطان نامزد بود. در سال ۱۱۲۹ هـ. وقتی که له شش ساله بود، خانه را مکتب قرار داده قرآن مجید را ختم کرد و بعد واندن کتابهای فارسی را شروع کرد.

واله نیز نوشته‌است که «در سن ۱۱۲۹ هـ. به مکتب نشسته به درس مستفاد می‌نموده از درس قرآن فارغ شده، کتب فارسی می‌دید.» ریاض‌الشعراء، برگ ۱۴۷۳

خان آرزو نوشته‌است: «واله بعد فوت پدر طفل بود که در مکتب با خدیجه سلطان عموزاده خویش درس می‌خواند.» (مجمع‌التفایس، برگ ۱۵۲۳)

آزاد بلگرامی در این باره نوشته: «این هر دو در مکتب با هم درس می‌خواندند و سبق عشق از سر برده.»

**خزانه عامره، برگ ۱۳۳۹**

بهگوان داس هندی نوشته‌است: «در اصفهان تولد یافته، همانجا به تحصیل علوم پرداخته.» (سینه هندی، ص ۱۳۰)

در تذکره نتایج‌الانکار (ص ۲۶۵)، زنان سخنور (ج ۱، ص ۲۵۰) نیز از تحصیل او در اصفهان سخن رفته‌است. نیاز شحبری هم در سالنامه نگاره (اوت ۱۹۶۳) همدرس بودن واله و خدیجه سلطان را آورده‌است.

بندراین داس در سینه خوشگو، واله را مرید و شاگرد شیخ علی حزین ذکر کرده‌است: «مرید و شاگرد شیخ محمد علی حزین هم به راه شیخ می‌رود.» (ص ۲۹۲). خوشگو هم عصر واله بود. بدین سبب، بیان او نسبت دارد. ولی، خان آرزو نوشته که واله معتقد و مخلص شیخ حزین بوده ولی او را شاگرد حزین ننوشته‌است. حزین چونکه جامع کمالات بود، برای این واله را نسبت به او افتقاد و خلوص بود. حاکم لاهوری در

از مطالعه نظم و نثر و اله معلوم می شود که او را در نظم و نثر مهارت حاصل بود. زبان او نهایت سلیس و شیرین و فارسی زبان مادریش بود. علاوه بر این، وی به ترکی نیز شعر می گفت. یک ریاضی در عربی و یک ریاضی در زبان اردو نیز از وی موجود است. از این نشان برمی آید که او علاوه بر فارسی، ترکی و عربی نیز می دانسته است. وقتی او به هندوستان آمد، زبان اردو را آموخت و این امر طولی نکشید زیرا او نیز هوش و هوشیار بود. صلاحیت شعری او بدان پایه بود که شاعر مشهوری چون میر عظیم ثبات شعر او را اصلاح می کرد (ریاض الشعراء، برگ ۷۶). فقیر نوشته است که تنها پس از نه سال تعلیم، و اله با کمال گردید. یعنی در سن ۵ سالگی و اله در میدان تعلیم شهرت به دست آورده بود و از سن پانزده سالگی شعرگویی خود را شروع کرد (واله و سلطان، ص ۳۰).

واله با اینکه در شهر اصفهان متولد شده، تذکره نویسان بجز ذکر مختصری از احوال اوائل زندگی او چیزی نوشته اند. به عنوان مثال تذکره نویسانی چون خوشگو، حسین دوست، خان آرزو، حاکم لاهوری، آذینگدلی، مصحفی، ابوطالب، بهگوان داس هندی، عسکری بلگرامی، رضاقلی هدایت و محمدعلی تبریزی که در زمینه های دیگر پیرامون و اله مطالب آورده اند، هیچ مطلبی در باره زندگانی و اله در ایران نوشته اند. مدتی نتایج افکار نوشته است: «در دوره سلطنت شاه طهماسب علی قلی خان از مقبولان درگاه شاهی بوده» (ص ۷۵۲). همین طور رضاقلی هدایت نوشته است: و اله در دوره حکومت سلطان حسین صفوی معزز بود (جمع الفصحی، ج ۲، ص ۵۵۸). درباره اینکه چرا و اله وطن خود اصفهان را ترک کرده و به هندوستان می آید تذکره نویسان نامبرده در بالا اطلاعاتی به دست نداده اند ولی آزاد بلگرامی نوشته است که «علی قلی خان از حسرت بغاوت رفتن معشوقه و

بیم نادرشاه رخت هاقبت به دارالامن هند کشید» (خزانه صامره، برگ ۳۶۰). مصحفی در عقد نثر، علت ترک اصفهان از سوی و اله را چنین می نویسد: «شبهاً در محلاتش (محلّه خدیجه سلطان نامزدش) رفته، گریه می اختیار سر می داد. مدتی چند برین وتیره و بگذشت چون کارش به سوانی کشید و از آمدن در آن محلّه ممنوع شد، بلکه بیم جان روی شود، چهارناچار از دست یقرباری عشق تنگ آمده، شذائد سفر راه خود اختیار نمود (ص ۷۶).

محمدعلی تبریزی بدون ذکر دلیل ترک اصفهان آن طور که «آزاده و مصحفی» نوشته اند، یاد آور شده که «در غلبه افغان بر صفویه به هندوستان رفته» (ریحانة الادب، ج ۴، ص ۲۷۳).

علی احمدخان هاشمی سندیلوی نوشته که و اله «به مقتضای آب و خورد به هندوستان افتاد» (بخش از الفریب، ص ۱۳۷۵).

علی اکبر مشیرسلیمی نوشته که و اله به سبب رسوایی عشق مجبور به ترک وطن گردید حسین دوست، خان آرزو، ابوطالب و رضاقلی خان هدایت مطلبی دل براینکه در چه سالی به هندوستان آمده نداده اند. ولی محمدعلی تبریزی نوشته که او در سال هزار و صد و چهل و چهار هجری در غلبه افغان بر صفویه به هندوستان رفته (ریحانة الادب، ج ۴، ص ۲۷۳). علیرضا تقوی نوشته است: «به علت از دست رفتن خدیجه سلطان و افتخانش و نا امنی کشور و اله تصمیم گرفت به هند مهاجرت کند و بعد از فوت شاه طهماسب ثانی در سنه ۱۱۲۲ هـ عازم هند شد. (تذکره نویسی در هند و پاکستان، ۲۹۷).

نیاز فتحپوری نوشته است که و اله داغستانی در سال ۱۱۲۷ هـ به لاهور رسید (نگار، اوت ۱۹۶۳ م). و اله خود در ریاض الشعراء می نویسد که در سال ۱۱۲۶ هـ به هندوستان رسیده و این تاریخ ظاهراً صحیح می باشد.

البته این برخلاف نظر محمدعلی تبریزی، تامس ویلیام بیل، اسپرنگر، اته، سیدعلیرضا تقوی و نظامی بادیونی است زیرا آنان تاریخ آمدن واله را برخلاف نظر خود او اشتباه نوشته‌اند و این می‌رساند که آنان ریاض الشعراء را خوانده‌اند.

از بیان شیخ حزین این سخن نیز روشن می‌شود که او در سال ۱۱۲۶ هـ. ق. روان هندوستان شده است؛ کشتی در همان وقت روانه سواحل بلاد سند بود بن هم عزم روانه شدن مصمم نمودم و این در روز دهم رمضان المبارک است و اربعین و مائه بعدالف ۱۱۲۶ هـ. ق. (تذکره الاحوال، ۲۲۳، چاپ)

واله خود در ریاض الشعراء، از راه یافتنش به دربار محمدشاه، احمدشاه و عالمگیر ثانی و دریافت عنايات و انعامات سخن گفته است:

علی اکبر مشیر سلیمی نوشته است: «شاه جهان آباد رفته در شمار ملازمان محمدشاه پادشاه هند درآمد. چندی نگذشت تقرب بسیار یافت و به منصب هفت هزار بهره مند گشت.» (زنان سخنور، ج ۱، ۲۵۰).

آزاد بلگرامی هم عصر واله، یا او ملاقات کرده بود. او نیز به پیروی از نوشته حاکم لاهوری در (مردم دیده، ص ۱۰۰) می‌نویسد که «در عهد احمدشاه، خلف فردوس آرامگاه شش هزاری و به خطاب خان زمان بهادر سخاقت گردیده» (خزانه عامره، برگ ۳۴۰). صاحب تصحیح الانکار نیز پیروی حاکم لاهوری و آزاد بلگرامی کرده، و می‌نویسد: «در عصر احمدشاه به منصب شش هزاری و خطاب خان زمان بهادر سرمایه امتیاز اندوخت (ص ۲۵۰ چاپ مدراس) (در این نسخه و نسخه چاپ خاضع بمبئی فرق است). دیگر تذکره نویسان نیز به زبانهای انگلیسی وارد و ذکر این مطلب کرده‌اند و این خود می‌رساند که واله داغستانی در دوره احمدشاه همچون عصر محمدشاه عهده دار مشاغل عمده بوده است و معزز و مکرّم.

عالمگیر ثانی سومین پادشاهی بود که قدرانی واله کرده است. این پادشاه که نامش عزیزالدین بود، پسر معزالدین جهاندار شاه بود که لقب عالمگیر ثانی داشت و در روز دهم شعبان سال ۱۱۶۷ هـ. ق. بر تخت نشست. (سیرالتأخرین، ج ۲، ص ۸۹۲)

حاکم لاهوری (مردم دیده، ۱۰۱)، قدرت الله (نتایج الانکار، ۷۵۳)، آزاد بلگرامی (خزانه عامره برگ ۳۲۰) و عبدالمقتدر (مهرت کتابخانه خدیجه، ج ۸، ۱۱۹) نوشته‌اند که واله در عهد عالمگیر ثانی منصب هفت هزاری یافت.

باب چهارم کتاب مذکور اختصاص به روابط عاشقانه واله داغستانی و خدیجه سلطان دختر عم و نامزد دارد که موجب پیدایش مثنوی عاشقانه بسیار زیبای «واله و سلطان» میرشمس الدین فقیر عباسی دهلوی شده است.

آزاد بلگرامی (خزانه عامره، برگ ۳۳۹)، بهگوان داس هندی (سینه هندی، ۲۳۰)، قدرت الله (نتایج الانکار، ۷۵۱)، میرزا محمد و اسپرنگ رئیس مترجم کتاب به انگلیسی (داستان واله و خدیجه، ۲۷) و عبدالمقتدر (مهرت خدیجه، ج ۸، ص ۱۱۹). همه بر این باورند که خدیجه سلطان و واله نامزد بودند. بیان واله در ریاض الشعراء این مطلب را تأیید می‌کند:

«حقیقه روزگار را در سن صبا والدینش نامزد پسر عم او کرده» (برگ ۱۹۱) «در صغر سن با دختر عم خود نامزد شده» (برگ ۲۷۳). (برای تکمیل آن‌راک به: مثنوی واله و سلطان و باب چهارم کتاب احوال و انکار و ذکر عیال خان واله داغستانی مرتبه عبدالغفار انصاری، ص ۱۰۲-۱۲۰).



سال فوت و مدفن و حالات و اواخر زندگانی والہ داغستانی از بیان والہ برمی‌آید که او در سال ۱۱۴۶ هـ. به هندوستان آمده و این نیز صحیح است که در سال ۱۱۴۷ او به دهلی رسیده بود، و قبل از همه، محمدشاه را از منصب چهارهزاری داده و در زمانه احمدشاه منصب شش هزاری و در عهد عالمگیرثانی به منصب هفت هزاری فائز گردید. در سال ۱۱۶۷ هـ. به «اوده» رفته و مجدداً به دهلی برمی‌گردد. فقیر دهلوی نوشته است که والہ همواره در عشق خدیجه سلطان در هندوستان بی‌قرار بود. چند بیت از مثنوی والہ و سلطان گویای این حقیقت است:

والہ ز ضعف آه نمانده است در دلم

دیگر که می‌برد به صفاهان پیام ما

{دیوان}

به باد عارضت هر گه به گلگشت چمن رفت

روان گردید ز ایر دیدهام سیلاب درگلشن

{دیوان}

ناصرحاً منعم مکن از بیقراری عاشقم

تا نمریم کی چو سیماب اضطراب از من رود

{دیوان}

با اینکه والہ در هندوستان عهده‌دار مناصب و مشاغل عالی بود، ولی هیچ دل خوشی نداشت:

عاشق مهجور اندر هند و جانان در عراق

مور بی‌بال و پیر اینجا و سلیمان در عراق

خرمن هستی عاشق سوخت در هندوستان

زآتش کافکنده ای برق جولان در عراق

{دیوان والہ، ابتدا آفیس ص ۱۸۳}

تصدّق حسین نوشته که والہ در هند با «رام جنی» ازدواج کرده (بیگمات اوده، ص ۳۵) ولی در هیچ تذکره‌ای مطلقاً نیامده است. البته قبر دهلوی دوست والہ دو قطعه از تاریخ ازدواج که سال ۱۱۵۰ هـ. از آن برمی‌آید از کلیت با دیوان والہ به دست داده است. به هر صورت اشعار بسیاری در ریاض‌الشعرا و دیوان والہ حاکی از محبت او به خدیجه سلطان و اظهار فراق و دوری او آمده است که در مواردی بسیار دردناکیز و ناراحت کننده است.

والہ در دیباجه ریاض‌الشعرا می‌نویسد که به جهت دوری از وطن و مردم وطن و رفع اندرگی دل، پیوسته به مطالعه سفاین و دواوین شعرا مشغول بوده تا تاریخ و غم تنهایی و دوری از محبوب را فراموش کند. بیان والہ چنین است:

«اما چون پیوسته عشق آن نگار مرئس احوال این دل‌افگار بود اکثر خاطر السرد را به مطالعه دواوین و سفاین مشغول نموده از ننگرات باطل و اندیشه‌هایی لاطایل عاطل داشته می‌دارم» (ریاض‌الشعرا، برگ ۳ خلاصه اینکه آنچه والہ را در هندوستان پیوسته در رنج و عذاب داشته همانا دوری از خدیجه بوده است. آزاد بلگرامی می‌نویسد: «در هندوستان همه وقت شور خدیجه سلطان در سرداشت» (خزانة عامره، ۳۴). در تاریخ (انکار) ص ۷۵۳ نیز آمده: «مادام حیات در هند صدر آرای امارت بوده و سزای غم مفارقت خدیجه سلطان معشوقه خود المی نداشت.»

کفایت فوت والہ را آزاد بلگرامی همچون حاکم لاهوری نوشته است که «بعد چند ماه خیز فوٹش (فوت خدیجه سلطان) شنید و متالم گردید - چهل و شش سال حصریافت این نقره در تاریخ وفاتش گفته بودم - پیوسته رحمت والہ (مرثم دیده، ۱۰۱).

مصحفی نیز نوشته‌است که واله در سال ۱۱۷۰ هـ فوت کرد:  
 «در شهری از توابع صوبه «اوده» رخت از جهان فانی بر بست و به قولی در  
 دهلی در یک هزار یکصد و هفتاد» (مقدثری، ۷۶).  
 صاحب تالیفات نیز سال فوت واله را ۱۱۷۰ هـ نوشته‌است (ص  
 ۷۵۴، تاس و بیام بیل نیز سال ۱۱۷۰ هـ / ۱۷۵۷ م را نوشته‌است. ولی  
 استاد جلال‌الدین همای سنال فوت واله را بدون ذکر مآخذی ۱۱۶۵ هـ  
 نوشته‌است: «صاحب تذکره ریاض‌الشعرا که علی‌المشهور در سنه ۱۱۲۲  
 مترکد شده و در ۱۱۶۵ هجری قمری وفات یافته‌است» (حاشیه دیوان‌واله  
 کازم اصفهانی، ص ۹).  
 لجهی ترین شغین در تذکره گلشن (۱۱۸۲-۱۱۸۱) در باره گلشن  
 علی جوهری می‌نویسد که مدت چهار سال با نواب سلطانی خان واله  
 رحمه‌الله علیه بودم (برگ ۲۱۲).  
 در نسخه نادری از ریاض‌الشعرا در کتابخانه دانشگاه اسلامی علی‌گروه  
 پتشی حبیب گنج، مرثیه‌ای از گلشن علی در فوت واله آمده که از آن،  
 تاریخ فوت سال ۱۱۶۹ بر وی آید که مطلع و مقطع آن چنین است:  
 «و اسرتا که خوردید، پنهان ز دیده‌ها شد  
 روی زمین سپه گشت پشت فلک دروا شد  
 مقطع»  
 تنگ رسال او را رنگونه گشت گلشن  
 با درد و عشق واله از این جهان جدا شد  
 سال ۱۱۶۹  
 آزاد بلگرامی (خزانة عامه، برگ ۳۴۰)، گلشن علی، قدرت‌الله (تالیفات  
 الاکتار، ۵۴)، عبدالمتندر (مهرت کتابخانه خدماتبخش، ج ۱۱۹، ۸)  
 ریو (مهرت موزه بریتانیا، ج ۱، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ص ۷۱۵) و ماجر ویلیام بول

نیز، بر این سخن متفا اند که وفات واله در دهلی بود. ولی مصحفی  
 نوشته‌است که وفات واله در صوبه «اوده» یا دهلی واقع گردید. در شهری  
 از توابع صوبه اوده رخت از جهان فانی بر بست و به قولی در دهلی»  
 (مقدثری، ۷۶). این درست است که مدفن واله در دهلی است نه اوده.  
 علیرغم تلاش بسیار محل قبر واله به دست نیامده‌است.

### سیرت و شخصیت واله داغستانی

مرا ای دوستان صوفی مدانید نهام صوفی غلام صوفیانام  
 الواله  
 درباره نکات مهم زندگانی و حالات واله، تذکره نویسان چیز زیادی  
 ندرشته‌اند. ولی این حقیقت است که نیرنگهای روزگار بر سیرت و  
 شخصیت او اثر بسیار داشته‌است.

میرشمس‌الدین فقیر دهلوی دوست واله بود و متروی واله و سلطان را  
 سرود. در این متروی تمام حرفها را که در باره زندگی واله در ۱۱۶۰ هـ  
 شنیده، نوشته‌است. ازین رو، این کتاب اهمیت بسیار دارد. فقیر  
 نوشته‌است که به واله دو چیز بر قدرت برجسته عطا شده بود: یکی حسن  
 بود و دیگر چیز، عشق. در باره عشق واله، خان آرزو (مجمع التالیفات برگ  
 ۵۳)، آزاد بلگرامی (خزانة عامه، برگ ۳۳۹)، مصحفی (مقدثری، ۷۶)،  
 هگوان داس هندی (مغیبه هندی، ۲۳)، قدرت‌الله (تالیفات، ۷۵۳)،  
 مدایت (مجمع الفصحا، ج ۲، ۵۵۸)، میرزا محمد (داستان واله و خدیجه،  
 ۳۰)، علی احمد خان ماشمی سندیلوی (سخن‌فرایب، برگ ۹۹۷)،  
 بشیر ملیمی (زنان سخندو، ج ۱، ۲۵۰) و نیاز فتحپوری (نگاره اوت  
 ۱۹۶۲ م) نیز مطالب بسیار نوشته‌اند. واله نیز در ریاض‌الشعرا داستان  
 عشق خود را رقم زده‌است. همچنین در دیوان او نیز صدها بیت است که

بر داستان عشق او روشنی می‌انکند. دل واله از رنج و ظم سرشار بود چرا که او در عشق ناکام شد و از این صدها بیت برمی‌آید که روزگار به او وفا نکرده است:

یک نفس باشد حیات عاشقان / مدت عمر سرور اینست این  
 بی‌خبر باید شدن در راه عشق / در سر کوشش غیر اینست این

دیوان واله، لندن، برگ ۹۲

از دیگر صفات واله شجاعت و دلیری اوست، در این باره خان آرزو، هم عصر او، نوشته است: «در میدان شجاعت و دلآوری بر همتا شهسواره بود (مجمع النفایس، برگ ۵۳۳). مصحفی در باره زیبایی او می‌نویسد: «در شجاعت ظاهری بر نظیر افتاده (عقدثریا، ۷۶). واله را به حزن ارادت بسیار بود. در مدح او دو قصیده در دیوان واله است که پیشی را برای روشنی مطلب می‌آوریم:

چه غم از دوری منزل چه پروا از خطر دارم

حزین شد خضر ره واله، مرا در وطن منزلها  
 واله نسبت به خود می‌گوید که صوفی نیست ولی غلام صوفیان است:  
 سرا ای دوستان صوفی مدتید / نهام صوفی خلام صوفیانم  
 ز صوفی فرق بسیار است تا من / که صوفی آتش است و من دخانم

دیوان واله، لندن، برگ ۱۹۰

خان آرزو نوشته با اینکه واله علوم ظاهری را خوب حاصل نکرد، با این وجود، به سبب صفای ذهن و مطالعه کتب از اکثر و بیشتر مطالب آگهی داشت. بویژه از مقامات تصوف باخبر بود. او در عشق مستهلک و منهک بود. برای این تمام دیوان سرشار از وقایع عشق و اسرار عرفانی است. او اکثر تتبع شعر بابا فغانی کرده است و در اشعار او چاشنی‌ای که هست در اشعار بابا فغانی نیست. زیرا که بابا فغانی به مقدمات تصوف کم

قوف داشت صاحب نتایج افکار نوشته: «گفتار شکر بارش روح افزای خوب بلند طیمان است»

واله شعر و تذکره نگار بود. خوش تقریر و سریع التحریر بود. حاکم هجوری که بارها واله را دیده و در مجالس ادبی که واله بوده، شرکت کرده، می‌نویسد: «غلیب خوش صحبت و خوش کلام و خوش تقریر و سریع التحریر دیده‌ام شده (مردم دیده، ۱۰۱). بیشتر تذکره‌نویسان عصر او تعریف شعر او را کرده‌اند. خان آرزو نوشته است که در اشعار واله سلافت و سلاست به درجه کمال است، علاوه بر آن چاشنی‌ای که در شعر اوست در کلام بابا فغانی چنین چاشنی‌ای وجود ندارد (مجمع النفایس، برگ ۵۳۳). واله به عنوان تذکره نگار نیز هم در هندوستان ایران دارای مقام بلندی است. سخن مسکری بلگرامی را در این باره می‌آوریم:

«واله تذکره سنی به ریاض الشعرای نوشته که مثل او تا حال تألیف نشده است.» (صحافت شرانف، ۱۹۹)

خان آرزو در نوشته است: «در آشنادوستی و جانب‌داری اخلاص یکنه روزگار است.» (مجمع النفایس، برگ ۵۳۳).

حاکم لاهوری نوشته: «با دوست خوش معاش و خوش پوش بود، اکثر عقرواقف سر براند، غلیب خوش صحبت و خوش کلام و خوش تقریر و سریع التحریر دیده‌ام شده.» (مردم دیده، ۱۶)

واله وطن پرست بود. با اینکه وطن را ترک کرده به هندوستان می‌آید، با این وجود، هیچ‌گاه وطن خود را فراموش نمی‌کرد. اشعاری از او در باره وطن به عنوان نمونه می‌آوریم:

دلیم ز بهشتی و گلزار شالامار گرفت / کجاست سیر صفاهان و چار باغ کجاست

خسرم آنروز که دل جانب ایران کشدم  
 جذبۀ کار کند تا به صفاهان کشدم  
**از ریاض الشعر، برگ ۱۲۴۹**  
 واله هندوستان را بهشت گفته است، با وجودی که این بهشت به جهت  
 جدایی از معشوقه برای او جهنم شده بود.  
 شد بهشت هند واله چون جیم در غم بار صفاهانی به من  
**خلاصه الافکار، برگ ۱۲۱۸**  
 به هر صورت، واله شاعر، تذکره نگار و دلاوری بی همتا نیز بود.  
 قدرت‌الله صاحب نتایج الافکار چند خصوصیت برجسته او را به دست  
 داده که گاهگاهی به کسی عطا می‌شود. او در سیرت و شخصیت جمیع  
 کمالات بود، با علو مزاجی خاکسار و متواضع، با وجود مقروض بودن،  
 همواره دار مشاغل عالی بود. در نظم و نثر صاحب کمال و صاحب سیف  
 نیز، عاشق مثل مجنون و زیبا نیز بود.

**تصنیفات و تألیفات و شیوه نگارش واله داغستانی**  
 دفتر نظم و نثر من نسخه سحر سامری است  
 نثرین به آن ورش نظم ببین به این نمط  
 واله  
 پیش از اینکه به بررسی شعر واله پرداخته شود، لازم است که از  
 نسخه‌های مختلف دیوان و کلیات او ذکر شود که در کتابخانه‌های مختلف  
 دنیا موجود است. کاملترین دیوان و کلیات او در کتابخانه رضا رامپور  
 موجود است. در زیر ذکر تمام نسخه‌های موجود او می‌آید:  
 ۱. نسخه دیوان واله داغستانی (فهرست ایندیا آفیس لندن، شماره  
 ۷۰۰) این نسخه از برگ ۴۴ شروع می‌شود و تا برگ ۲۳ نسخه دیگری

است که با هم جلد شده‌اند. آن دو ستونی است با خط نستعلیق و کتابت  
 بسیار روشن و صاف که نام کاتب و سنه کتابت هم ندارد در برگ ۱۰۲  
 در آخر نسخه این مطلب تحریر شده است: «تمام شد دیوان واله علیقلی  
 خان شش انگشتی، کل برگها ۵۹ است. در این نسخه تمام ابیات ۱۷۴۵  
 بیت است که ذکر تفصیل آن در اینجا ممکن نیست.  
 ۲. نسخه خطی دیوان واله داغستانی به شماره فهرست ۲۷۰۳،  
 کتابخانه رضا رامپور. نسخه خوش خط و واضح است و با این بیت شروع  
 می‌شود:  
 گردیده چرخ چهره به ما غالباً که نیست  
 طهماسب شاه خسرو گردون غلام ما  
 در آخر نسخه این عبارت تحریر شده: «این نسخه دیوان علیقلی خان  
 واله سلمه الرحمن فی سنه ۱۱۶۳ هـ. من حجره النبی صلی الله علیه وسلم به  
 دست خط محمد رفیع به اتمام رسید.»  
 در این نسخه مجموعاً ۳۰۳ غزل موجود است که تعداد اشعار این  
 قزلیات ۸۲۷ است و مشتمل از صفحه ۲۱۶ شروع می‌شوند، و کتاب در  
 صفحه ۲۳۹ ختم می‌شود.  
 ۳. نسخه خطی کلیات واله داغستانی شماره فهرست ۳۷۰۴ کتابخانه  
 رضا رامپور.  
 بر صفحه اول این نسخه مهر کتابخانه ریاست رامپور است. کافذ  
 معمولی است و با هرکب سیاه نوشته شده است. حروف روشن و واضح و  
 شفاف است. در این نسخه ۶۸۲۱ بیت شعر است. در این نسخه ۱۸  
 قصیده، ۵۶۱ غزل، یک ترجیع‌بند، سه مثنوی و ۵۲۷ رباعی وجود دارد.  
 علاوه بر آن تعداد اشعار مقطعات ۱۷۰ است. در این نسخه تعداد اشعار از  
 تمام نسخه‌های موجود بیشتر است ولی در آن دو قصیده نیست که در

شاهنامه  
 تاریخ طبع

نسخه کتابخانه ابتدیا آفیس لندن آمده است. اولی قصیده‌ای است با مطلع:  
 منم که نیست مرا در جهان شبیه و مثال...  
 مگر خدای غفور شتم و احق متعال  
 قصیده دوم با این بیت شروع می‌شود:  
 مهر رخس می‌برد از دل عشاق تاب...  
 ماه کم از ذره‌ایم او نه کم از آفتاب  
 در نسخه ریاض الشعرا کتابخانه خدابخش مر در قصیده موجود است.  
 ۴. نسخه خطی دیوان واله در کتابخانه مولانا آزاد بخش حبیب گنج  
 (ش ۴۷) دانشگاه اسلامی علیگره این نسخه از آغاز و پایان ناقص است  
 و ۱۷۴ صفحه است. صفحه اول به اندازه‌ای کرم خورده است که اولین  
 شعر را نیز نمی‌توان خواند.  
 ۵. نسخه خطی دیوان واله - شماره فهرست ۱۱۸۲ کتابخانه پادلیان در  
 ۲۸۹ برگ - جابجا کرم خورده - فاقد نام کاتب و تاریخ کتابت - دیوان در  
 ۱۱۵۷ برگ شده است.  
 ۶. نسخه خطی دیوان واله به شماره ۸۵۷ در انجمن آسیایی  
 بنگال (کلکته) - این نسخه، دیوان کامل واله نیست، بلکه گزیده‌ای مختصر  
 است. در این نسخه در ردیف «طه» چند غزل است.  
 ۷. نسخه خطی دیوان واله - شماره فهرست ۲۸۷۶ کتابخانه ملک - بر  
 صفحه اول این نسخه شهره آستان قدس رضوی است. بر همان صفحه  
 نوشته شده است: «دیوان حلیقلی خان واله» در سه صفحه آن مطلاع است.  
 کل اشعار این نسخه ۲۱۸۸ بیت است.  
 واله داغستانی به عنوان شاعر - واله شاعری ممتاز است. اگرچه او به  
 ادب فارس متعلق است، ولی افراد بسیاری از این مسئله بی اطلاع اند. به  
 نظر راقم سطور واله در آسمان شعر فارسی ستاره‌ای روشن بود.

حاضران او نیز تعریف شعر و شاعری او کرده‌اند بویژه خان آرزو، آزاد  
 لنگرامس، آذربیکدلن، حاکم لاهوری، خوشگو، حسین دوست و  
 برده‌لوی. حاکم لاهوری را که چندین بار شرف ملاقات با واله دست  
 داده است، در تعریف شعر او می‌نویسد: «اشعار خود بسیار می‌خواند گاه  
 ن‌شد که از اول شام تا نصف شب گرم غزل خوانی می‌بود... در شعر  
 سی را منظور نمی‌داشت و اکثری از شعرای عصر خود را وجود  
 نمی‌گذاشت، فصاید غزا و دیوانی قریب شش هفت هزار بیت دارد و اکثر  
 طور قدما می‌گویند و سخنش خیلی پدرد و بامزه است.» (مردم دیده،  
 ۱۰).

در تذکره حسینی آمده: «لاله گلستان سخندانن حلیقلی خان واله  
 قستانی از جفا و حمیت و حفظ مرتبه و اهلیت بهره تمام و نصیب مالا  
 لام (ص ۳۶۲ چاپی).

مصطفی نیز تعریف شعر او کرده است. سخن او چنین است: «اگرچه  
 عربی میزان درست نکرده بود، اما در فصاحت و بلاغت شعر یدیفا  
 نشت.» (مقدریا، ۷۶).

صاحب نتایج الافکار در باره واله این طور می‌نویسد: «ناظم شهرستان  
 مانی حلیقلی خان واله داغستانی... گفتار شکر بارش روح افزای قلوب  
 بلندطیمان... دیوانی است مضامین رنگین را ترجمان... کلام  
 دانگیزش» (ص ۵۱).

محمد علی تبریزی نوشته است: «به هر دو زبان ترکی و فارسی شعر  
 تبه» (ریحانة الادب، ج ۴، ۲۷۳). ابیات زیر از واله است در باره شاعریش:  
 به سان گرم بر ما پشت آریاب سخن

آسمان نظم را خورشید تابانیم ما

اشعاری هم در تنوع غزلیات امیر خسرو، سعدی، حافظ و شعرای دیگر دارد که ذکر حتی نمونه‌هایی از آنها در اینجا به جهت محدودیت حجم مقاله امکان پذیر نیست. برای نمونه فقط ابیاتی از قصیده او را که در شرح قصیده معروف اتوری به مطلع:

گر دل و دست بحر و کان باشد **دل و دست خدا بیگان باشد**  
 تا اینجا ذکر می‌شود، واله می‌گوید:

برتر از عرض اگر مکان باشد **آستان خدا بیگان باشد**  
 بنسندۀ شباه اولیسا قنبر **که سپهرش ز چاکران باشد**

همچو جبریل حاجب کویش **بسر در عرش پاسبان باشد**  
 پرو بال ملک به حضرت او **غن و خاشاک آستان باشد**

با اینکه باباطاهر و باباافضل و عمر خیام در رباعی‌گویی مشهورند، و

تجایی استرآبادی بیشتر از هفده هزار رباعی پر از مضامین فلسفی

برده است، با این حال از مطالعه ۵۲۷ رباعی واله دافستانی این سخن

می‌آید و روشن می‌گردد که او در رباعی‌سرایی در میان معاصران خود

متمیز بود. رباعیات او از اندیشه‌های صوفیانه و عاشقانه آکنده‌اند.

بوهایی از رباعیات او:

واله به ره وفا دویدن مشکل **در وادی درد آر میدن مشکل**  
 سر در ره عشق دادن آسان است **در دامن صبر پاکشیدن مشکل**

**ریاض الشعرا، برگ ۱۳۵۵**

واله چند قطعه و یک ترجیع بند نیز سروده است. (کلیات واله، زابهورا)

واله علاوه بر زبان فارسی به زبان ترکی نیز شعر سروده است. در

زبان از چند غزل و رباعی به زبان ترکی موجود است. وی حتی یک

غزل به زبان اردو نیز سروده است.

شعر، پیش از اینکه درباره تکرر نگاری واله مطالبی نوشته‌شود، لازم

هنر گر که بسفت کسلک واله

درخسورد هزار آفرین بسود  
 واله به صفحه رینختم پاره‌های دل

غوی می‌چکد ازین غزل عاشقانه‌ام  
 دیوان واله، ابتدا آفیس، ص ۶۰، ۷۷، ۸۵

اکثر تذکره‌نگاران و مصنفان چون آرزو، آزاد بلگرامی، حاکم لاهوری،

خوشگو، حسین دوست، فقیر دهلوی، مصحفی، محمد عسکری

بلگرامی، قدرت‌الله، میرزا محمد، اسپرنگ رایس و نیاز فتح‌پوری واله را

شاعری بزرگ در عصر خود می‌دانند.

واله دافستانی قصیده، غزل، مثنوی، رباعی، قطعه و ترجیع بند نیز

گفته است. لیکن قصاید و غزلیات او بسیار خوب‌اند. نمونه‌ای از اشعار او:

سینه شد سوراخ سوراخ از غمت **تیر محنت را سپر اینست این**  
 یک نفس باشد حیات عاشقان **مذت هنر سرور اینست این**  
 من غیر باید شدن در راه عشق **در سر کویش غیر اینست این**  
 من هنر شو بی هنر شو بی هنر **پیش ما واله هنر اینست این**

دیوان واله، ابتدا آفیس، برگ ۱۹۲

سبب از اشعار واله رنگ‌انگار شاعران مشهور را دارد، مثلاً ابیاتی زیر

نگ غزل صائب را دارد:

بها در آستین دارم و خندانم ما

محفل ایام را شمع فروزانم ما

ون کواکب اندای اهل دل باشد به ما

در سپهر عاشقی مهر درخشانم ما

دیوان واله، ابتدا آفیس، برگ ۱۶۰

است ذکری از نسخه‌های خطی مختلف تذکره ریاض‌الشعرا ارائه شود:

۱. نسخه خطی ریاض‌الشعرا به شماره ۲۲۳ (الف) و ۲۲۳ (ب) کتابخانه خدابخش پته.

این نسخه از میان تمام نسخه‌های خطی موجود، نادر است. گلشن علی جوهری که در ملازمت والّه بوده، آن را کتیب کرده‌است. او وقت وفات والّه هم در دهلی بوده‌است. جوهری در زمان خود کاتبی برجسته بود و در فن کتیب از حزمین اصلاح می‌پذیرفت. او در مرگ والّه مرثیه‌ای دردناک نیز گفته‌است. در این نسخه فهرست شعرا نیز درج است و در آن مجموراً درمزار و بانصد و چهل شاعر ذکر شده‌است. در پایان این نسخه، منتخب اشعار درج شده‌است.

۲. نسخه خطی ریاض‌الشعرا، به شماره ۲۲۲۶ کتابخانه خدابخش پته.

در این نسخه نام کاتب و سال کتیب درج نشده‌است. کل برگهای آن ۲۵۷ است. کتیب این نسخه واضح و سلیس است.

۳. نسخه خطی ریاض‌الشعرا، به شماره ۲۴۰۲ کتابخانه رضا در رامپور - نسخه‌ای است کرم خورده که بر کاغذ معمولی نوشته شده‌است. این نسخه در ۱۲۰۷ هجری نوشته شده‌است. این نسخه مشتمل بر ۱۱۷۰ صفحه است.

۴. نسخه خطی ریاض‌الشعرا به شماره ۵۱ (فارسی) موجود در کتابخانه مولانا آزاد دانشگاه اسلامی علیگره بخش حبیب‌کنج. بر صفحه اول و آخر آن شهر کتابخانه حبیب‌کنج درج است. این نسخه از این لحاظ مهم است که آن در مقایسه با نسخه دیگر ذکر شاعران بیشتری آمده‌است یعنی شامل شرح حال ۲۵۲۶ شاعر است.

۵. نسخه خطی ریاض‌الشعرا به شماره ۵۱ (فارسی) موجود در کتابخانه مولانا آزاد دانشگاه اسلامی علیگره بخش حبیب‌کنج. این نسخه

قص است.

۶. نسخه خطی ریاض‌الشعرا به شماره ۲۱ فهرست کتابخانه دانشگاه سلام علیگره. این نسخه، مطابق نسخه کتابخانه خدابخش شماره ۲۲۳ است.

۷. نسخه خطی ریاض‌الشعرا به شماره WZR ۵۵۱۹ / ۸۹۱ کتابخانه گور دانشگاه لکنو، که مطابق نسخه شماره ۲۲۳ کتابخانه خدابخش است. این نسخه در سال ۱۱۸۲ هجری تکمیل شده، و در آخر آن این عبارت درج است: «ملاحمد انور ساکن هاله گندی در سنه ۱۱۸۲ هجری».

۸. هزار و یکصد و هشتاد و دو تحریر یافته.

۸. نسخه خطی ریاض‌الشعرا به شماره ۵۲۰۲ موزه ملی دهلی که مطابق نسخه شماره ۲۲۳ کتابخانه خدابخش است. کتیب آن خوب و سلیسه است. نام کاتب هایت‌الله است که این نسخه را در سال ۱۱۶۶ نوشته‌است. این نسخه از این جهت مهم است که نسبت به نسخه‌های دیگر قدیمتر است و در زمان حیات والّه داهستانی نوشته شده‌است.

۹. نسخه خطی ریاض‌الشعرا به شماره  $\frac{۵۵۰۷۲}{۱۳۷۲}$  موزه ملی دهلی که مطابق نسخه شماره ۲۲۳ کتابخانه خدابخش است. نام کاتب آن عبدالشکور است ولی سال کتیب درج نشده‌است.

۱۰. نسخه خطی ریاض‌الشعرا به شماره ۸۹۹ موجود در آرشو ملی هند در دهلی که این نسخه هم مطابق نسخه شماره ۲۲۳ کتابخانه خدابخش است. بر صفحه اول آن شهر قاضی القضاة محمد نجم‌الدین خان است و در سال ۱۱۷۶ هجری نوشته شده‌است. فاقد نام کاتب است.

۱۱. نسخه خطی ریاض‌الشعرا در بخش بوهار کتابخانه ملی کلکته. در این نسخه از ۲۲۹۶ شاعر ذکر شده‌است، اما این نسخه ناقص است زیرا

ریخ کتابت است. ولی به‌طور قیاس می‌توان گفت که قبل از سال ۱۱۳۳هـ. نوشته شده است. نام کاتب نیز مشخص نیست. کل صفحات آن ۱۹۲هـ است، و هر صفحه ۲۶ سطر دارد. نسخه کامل است.

**۱۱. اله به عنوان تذکره‌نگار**  
تذکره‌نویسی در ادب فارسی شهرت بسیار دارد. نه تنها جهت شعرا تذکره نوشته شده، بلکه تذکره احوال و وزیران و سرفیاض نیز نوشته شده است. **۱۱.۱** واله داهستانی تنها شاعر نیست، بلکه تذکره‌نگار نیز می‌باشد. او در سال ۱۱۱۶هـ شروع به نوشتن ریاض الشعرا کرد، و در ۱۱۶۱هـ آن را تکمیل نمود (ریاض الشعرا، بزرگ ۴۸۸). واله، با وجود منصب چهارهزاری در وزارت محمدشاه، چنین تذکره ضخیمی را نوشت که گواهی راستین و روشن بر علم‌دوستی اوست.

آذریبگدلی (آتشکده، ۲۳۶)، مصحفی (مقدثریا، ۷۶)، بهگوان داس ندی (سفینه هندی، ۲۳۰)، محمد عسکری بلگرامی (صحائف نرائف، ۱۹۰)، محمد قدرت‌الله گویاموی (نتایج الاتکار، ۷۵۱)، هدایت (مجمع فصحاء، ج ۵۵۸، ۱۲)، تقی پینش (مجله دانشکده ادبیات شهید، ش ۱۳۴۴)، سرورشدی، ص ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۷۱) و نقوی (تذکره‌نویسی در هند و پاکستان، ۳۰۵) و... نیز در باره تذکره ریاض الشعرا اظهار نظر کرده‌اند. و مورد واله در دیباچه ریاض الشعرا می‌نویسد: «غرض راقم خروفا در سربد این اوراق این است که به قدر مقدور اشعار بلند و افکار ارجمند را هم آید نه اینکه جمعی کثیر از موزونان را ذکر نماید» (ریاض الشعرا، ج ۳).

**کتوبات واله داهستانی**  
در نثر فارسی تنها یک مکتوب از واله داهستانی در دست است که در

که ذکر بسیاری از شعرا در آن نیامده است. **۱۲. نسخه خطی ریاض الشعرا** به شماره ۱۶۷۲۹ موجود در موزه بریتانیا - لندن - که به خط شکسته نستعلیق نوشته شده است و تعداد صفحات آن ۵۲۷ است و در ماه صفر سال ۱۲۰۳ در عظیم آباد (پشته) نوشته شده است. ابتدای این نسخه مانند نسخه شماره ۲۳۳ کتابخانه خدابخش است و در آن فقط ذکر ۲۵۰۰ شاعر است. این نسخه ناقص است. چون در نسخه کتابخانه خدابخش شرح حال ۲۵۲۰ شاعر آمده است. در آخر نسخه، مانند نسخه‌های دیگر منتخب اشعار است. **۱۳. نسخه خطی ریاض الشعرا** موجود در موزه بریتانیا - لندن - (فراستیت کپی آن به شماره ۵۸۰۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. این نسخه واضح و روشن است، و کل اوراق آن ۲۷۸ برگ است که به فرمایش میرمیرادعلی خان تالیر در ۱۹ ربیع الثانی سال ۱۲۱۶هـ نوشته شده است.

**۱۴. نسخه خطی ریاض الشعرا** به شماره ۲۳۰۲ کتابخانه ملک در ۵۰۲ برگ ۲۳ سطر، خط شکسته نستعلیق - در آخر آن احوال مؤلف درج است.

**۱۵. نسخه خطی ریاض الشعرا** به شماره ۲۳۰۱ کتابخانه ملک - بر صفحه اول آن شهر کتابخانه آستان قدس رضوی، و بر صفحه دیگر شهر سهام‌الدوله است. نسخه با ذکر شیخ ابوالحسن فرقانی آغاز و با احوال یحیی خان ختم می‌شود. تعداد اوراق آن ۳۲۲، و هر صفحه دارای ۲۵ سطر است. خط، شکسته نستعلیق است و در آخر احوال مؤلف آمده است.

**۱۶. نسخه خطی ریاض الشعرا** کتابخانه ملی ایران - این نسخه در سال ۱۱۳۴هـ در کتابخانه سلطنتی فتح‌علیشاه قاجار وارده شده است فاقد



کتابخانهٔ دانشگاه اسلامی علیگره در بخش حبیب کج موجود است. این مکتوب در آخر یک نسخهٔ خطی ریاض‌الشعرا نوشته شده و مؤلف کتاب احوال و انکار و آثار علی‌قلی خان واله داغستانی یعنی دکتر عبدالغفار انصاری نظرس بر این است که آن را شیخ محمدعلی حزین نوشته است. اصل مکتوب در کتاب نوق (ص ۲۵۱ تا ۲۵۵) درج است. **واله** به مکتوب منظوم دارد که به روشنگری شخصیت او کمک می‌کند. اولین نامه به نام شیخ محمدعلی حزین است. هنگامی که به خدمتش رسیده که حزین در لاهور بوده که یستی از آن ۴۳ آورده می‌شود: ای پرخ غیرت مه و خورشید پیشی رویت کم از سها ناهید.

دیوان واله داغستانی - رامپورا  
نامه‌ای به شکل مثنوی به نام خدیجه سلطان است که تعداد ابیات آن ۲۰۶ است که فقیر دهلوی آن را در مثنوی واله و سلطان خود نقل کرده است.

نامهٔ سوم به نام وزیر الممالک ابومنصور خان بهادر صفدر جنگ است که مشتمل بر چهل بیت است.

معاصران واله داغستانی

۱. شیخ محمدعلی حزین
۲. شاه فقیرالله آخرین لاهوری
۳. (لاهوری الاصل و از شاعران دورهٔ عالمگیر پادشاه بود)
۴. نظام‌الملک
۵. آصف جهان (متولد ۱۰۸۲ بانای حکومت آصفیه در حیدرآباد دکن)
۶. میرشمس‌الدین حکیم علوی خان (متولد ۱۰۸۰ هـ. در شیراز)
۷. میرشمس‌الدین فقیر عباسی دهلوی
۸. سراج‌الدین علی خان آرزو (متولد ۱۱۰۰ هـ. در آگره)
۹. میرغلام‌علی آزاد بلگرامی
۱۰. صفدر جنگ (متولد ۱۷۰۸ م.)

۱۱. عمادالملک غازی‌الدین خان بهادر فیروز جنگ نظام (متولد ۱۱۴۸ هـ.)
۱۲. عمادالملک روشن الدوله بهادر و ستم جنگ (متوفی ۱۱۴۵ هـ.)
۱۳. نزل‌باش خان امید
۱۴. امیررخسان انجام (متوفی ۱۱۰۹ هـ.)
۱۵. شاه عبدالحکیم حاکم لاهوری (متولد ۱۱۷۰ در سراد آباد)
- شیخ گلشن علی جونیوری (متولد ۱۱۱۷ هـ.) با توجه به اینکه ذکر زندگی‌نامه و آثار افراد بالا به علت محدودیت حجم مقاله امکان ندارد لذا از آن صرف‌نظر کرده به امید پروردگار تعالی در مقالاتی دیگر بدان پرداخته خواهد شد.

ممدوحان واله داغستانی

مدح گار و خسر نام محتاج سیم و زر نام  
دست از این تسلیم کس بر سر نخواهم کوفتن

۱. محمدشاه پادشاه هندوستان
۲. شیخ محمدعلی حزین
۳. برهان‌الملک سعادت خان نیشابوری
۴. نظام‌الملک آصف جهان
۵. شیخ جعفر ارباب (متولد ۱۱۱۸ هـ. در اصفهان)
۶. میرشمس‌الدین فقیر عباسی دهلوی
۷. صفدر جنگ
۸. قزلباش خان امید
۹. سعدالدین خان میرآتش

شاگردان واله داغستانی

صبر و قرار جان دل مصرع واله رسید  
این همه می‌رسد بهم یار بهم نمی‌رسد

(حاکم لاهوری)  
در بیشتر تذکرها ذکر نام شاگردان واله نیست. از این رو، ارائه

منحصرات صحیح دربارهٔ تعداد شاگردان او مشکل است. زیرا اطلاعات زیادی در دست نیست (رک: کتاب احوال و انکار و آثار و آثر والہ داغستانی، ص ۲۳۷-۲۴۰).

شمرای هم تخلص والہ

۱. درویش محمدوالہ ہروی
  ۲. میرزا یوسف والہ
  ۳. مولانا سید محمد والہ موسوی
  ۴. آقا محمد کاظم والہ اصفہانی
- به بحث پیرامون زندگی‌نامه و آثار والہ داغستانی در همین جا به همین مقدار بسنده می‌شود اگرچه سخنان و مطالب بسیار زیادی دربارهٔ او در منابع و مآخذ موجود است، از تذکره و کتابهای تاریخ ادبیات گرفته تا آثار و نوشته‌های پراکندهٔ دیگر که امید است در مقاله یا مقالاتی دیگر بتوان حق مطلب را ادا نمود. لذا با ذکر نمونه‌هایی از اشعار والہ سخن به پایان بردن می‌شود.
- گشت صفد سخن از کلک تو والہ منظوم  
 خار در دست تو ابرست که گوهر ریز است  
 ای زینجا قسبت دل را سپرس ایگر پشتمه سوز  
 نیست این یوسف که اوزان دانیش  
 چند بی مهر جمالش به لب آید چنانم  
 سحرآموزم و باور نکند جانانم  
 از هر کجی اقلری در سرح اندر  
 شکرانم بیاد دلمسیرا از کلاکری به

نگاره سال آن خدایا



پرتال جامع علوم انسانی  
 نشرگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی